



۲۲۶-۲۲۷

همبستگی هفتگی

۵ اسفند ۱۳۸۴

۲۴ فوریه ۲۰۰۶

نشریه هفتگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

www.hambastegi.org

پناهندگی حق هر کسی است که از اسلام سیاسی و استبداد و بی حقوقی میگریزد



شنبه روز ما خواهد بود! همه با هم برای حق شهروندی در بلژیک پناخیزیم اقامت را در خیابانها بگیریم

یاس کار میکنند و روزگار میگذرانند. دهها هزار انسان، از ایرانی و افغانی و عراقی گرفته تا بوسنیایی و مراکشی و آفریقایی در زیر یک آسمان در زیر یک قانون و یک دولت، از حق زندگی قانونی و با کاغذ اقامت، محروم شده و به یک زندگی غیر استاندارد، یک زندگی غیرمستعارف و یک

شاق ارزان کرده است. آنها را به سایه ها و شیخ های متحرک بیگاری بدل کرده است. دهها هزار انسان در مرکز ثقل تصمیم گیریهای اتحادیه اروپا در کنار ساختمان میتینگ هایشان در دستوران ها و کافه بارها در مغازه ها و کارخانجات با بیم و اندوه

دهها هزار انسان در بلژیک به طور غیرقانونی زندگی میکنند. بدون یک کاغذ بی روح و سرد به نام اجازه اقامت. همین کاغذ بی روح و سرد زندگی روزانه و لحظه لحظه دهها هزار انسان را در قلب اروپای متمدن و دموکرات به سیاهی و تباهی کشانده است. آنها را به اجبار راهی بازار کار سیاه و تن دادن به کار

ادامه در صفحه ۴

به کمپین دفاع از حق پناهندگی پیوندید

تا هنگام صدور این بیانیه نزدیک به سه ماه از اجرای قانون موقت پناهندگی می گذرد. تاکنون از تعداد ۲۵ هزار نفر پناهجویی که مشمول این قانون شده اند نزدیک به ۶ هزار نفر اقامت گرفته اند. اما هنوز بسیاری از خانواده ها که در الویت این قانون قرار داشته اند، با توجه به اینکه بیشتر از یک ماه به پایان عمر این قانون باقی نمانده است در نگرانی و اضطراب بسیار زیادی بسر می برند. بعلاوه تا این زمان هیچ

ادامه در صفحه ۲

از دیپورت یک پناهجوی ایرانی در تورنتو جلوگیری کنیم!

یک پناهجوی زن ایرانی که بیش از چهار سال است در کانادا زندگی می کند توسط اداره مهاجرت قرار است روز دهم مارس به ایران دیپورت شود، همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی دیپورت کلیه پناهندگان گریخته از دست حکومت اسلامی را محکوم می کند، و قاطعانه علیه دیپورت به ایران مبارزه می کند.

این پناهجو قرار است روز دوشنبه ۲۷ فبیریه در تورنتو برای آخرین بار در دادگاهی که به منظور تصمیم نهائی در موردش گرفته شده شرکت کند. فدراسیون از همه انسانهای آزادیخواه می خواهد که با حضور خود در این دادگاه مانع اخراج این پناهجو به جهنم جمهوری اسلامی شوند.

ادامه در صفحه ۷



ما را در مبارزه مان یاری دهید استمداد یک مادر و دختر پناهجو در هلند

صفحه ۴

مصاحبه برای انتقال جانشینان مجاهدین در اردوگاه تیپ عراق آغاز شد!

صفحه ۲

ایران: شکست دولت جدید در راستای حقوق بشر

گزارش امنستی انترناشنال

مناظره با وزیر در تلویزیون

گفتگوی کاتال ۸ تلویزیون سوئد با کیمیا پازوکی از مسئولین فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و باربرو هولمبری وزیر مهاجرت سوئد.

پاسخ به منتخبی از نامه ها

صفحه ۸ تا ۱۱

من به ایران بر نمی گردم میدانید چرا؟

رقیه حسینجانی مقدم

صفحه ۳



با سرکوب خونین انقلاب و تحمیل يك زندگي فوق ارتجاعی به مردم، دهها هزار انسان گریخته از دست جمهوری اسلامی تنها و بدون تشکل راهی بسوی امنیت و آرامش در ورای مرزهای ایران می جستند. متشکل کردن این موج عظیم انسانی حول مدرن ترین و انسانی ترین دست آوردهای بشری، دفاع بی قید و شرط از حق پناهندگی مردم ایران و قرار دادن این مردم در کنار مبارزات انسان دوستانه و کارگری در غرب علیه راسیسم، فاشیسم، نابرابری اجتماعی، ایجاد سازمانی غیرحزبی و فرامحلی بدون نظر گرفتن ملیت، مذهب، جنسیت و تعلق تشکیلاتی را به يك ضرورت فوری تبدیل می کرد. همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی پاسخ منصور حکمت به این ضرورت بود. بقول او: "همه داستان زندگي ما تغییر زندگي انسان است."

به کمپین دفاع از حق پناهندگی پیوندید

مصاحبه برای انتقال جادشگان مجاهدین در اردوگاه تیپ عراق آغاز شد!

ادامه از صفحه اول

اطلاعاتی در مراکز شهرها به منظور جلب توجه افکار عمومی و برگزاری تظاهرات درمقابل اداره مهاجرت در شهرهای مختلف سوئد در ۲۸ مارس، توجه افکار عمومی را به اعتراضات به حق پناهجویان ایرانی و افغانستانی جلب نماییم. لازم به توضیح است که در ایران و افغانستان امروز جنگ و ناامنی، دستگیری و بازداشت، محاکمات غیر عادلانه و سرکوب اعتراضات مردمی و خشونت گروهی اسلامی بر علیه عدالت و آزادی خواهی، امنیت و آسایش را از مردم سلب کرده است.

همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و انجمن افغانها همه علاقمندان، پناهجویان و نهادهای دفاع از حقوق پناهندگی را به حمایت و شرکت مستقیم در این کمپین فرا میخوانند.

همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی سوئد

مجتمع افغانها در گوتنبرگ

۱۹ فوریه ۲۰۰۶



بعلاوه تا این زمان هیچ خبری از بررسی پرونده پناهجویان مجرد

بویژه پناهجویان ایرانی و افغانستانی وجود ندارد.

در مجموع این دسته از پناهجویان که از ۱۵ نوامبر ۲۰۰۵ و با اجرای قانون موقت برای بار دوم در اداره مهاجرت ثبت نام کرده اند از نظر روحی به مراتب بدتر از آن زمانی بسر میبرند که به طور مخفی زندگي میکردند. نگرانی این دسته از پناهجویان به این خاطر است که از سرعت بررسی این پرونده ها که مشمول قانون موقت شده اند کاسته شده است. بنا به گفته اداره مهاجرت، از این به بعد روند اعطای اقامت به این دسته از پناهجویان به نصف کاهش خواهد یافت.

در اعتراض به این وضعیت، همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سوئد از تاریخ صدور این اطلاعیه تا ۲۸ مارس، کمپینی را در سطح سوئد در دفاع از حقوق این دسته از پناهجویان و در جهت فراهم شدن يك سیاست انسانی در برخورد به پناهندگان اعلام خواهد کرد. در طول این کمپین تلاش خواهد شد که با تماس با سازمانها و نهادهای مختلف، شخصیتهای دفاع از حقوق پناهندگی، مذاکره با دولت و اداره مهاجرت، پخش و توزیع نامه و اطلاعیه ها، مراجعه به رسانه های گروهی، دایر کردن غرفه های

ما یکبار دیگر از همه نهادهای مدافع حقوق انسانی و از احزاب و نیروهای اپوزیسیون دعوت میکنیم که در مقابل هر نوع سهل انگاری و یا وقت کشی کمیساری عالی پناهندگان و یا هر نوع سنگ اندازی مقامات امریکایی در پروسه انتقال این افراد متحدهانه اعتراض کنند.

این يك کمپین انسانی و بسیار مهم برای ما است. صدها نفر فعال سیاسی و مخالفین جمهوری اسلامی ایران در يك کمپ اسیر شده و امکان رفتن به جای دیگر و آغاز يك زندگي دیگر را ندارند. این غیر انسانی ترین رفتار ممکن با افرادی است که زندگیشان را صرف مبارزه با حکومت اسلامی کرده اند.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

۲۱ فوریه ۲۰۰۶

پوزش

هفته قبل همبستگی هفتگی، به دلیل بیماری انتشار نیافت.

با پوزش از کلیه خوانندگان این شماره را دبل (دو برابر) انتشار میدهیم.

سردبیر

بنا به اخباری که به دست ما رسیده است، از روز گذشته مصاحبه کمیساری عالی پناهندگان با صدها نفر جدا شدگان از مجاهدین خلق ایران که در يك اردوگاه در عراق زیر نظر نیروهای امریکایی نگهداری میشوند، آغاز شده است.

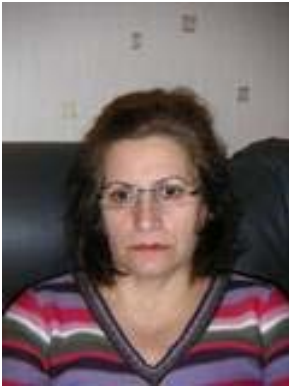
این مصاحبه ها برای زمیننه سازی و آماده شدن افراد مزبور برای انتقال به يك کشور امن میباشد.

بدنبال يك کمپین گسترده و بسیار مهم از سوی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی که چندین ماه به طول انجامید، و بدنبال دو بار مذاکره مسئولین فدراسیون با کمیساری عالی پناهندگان در شهر ژنو، بالاخره این کمپین به نتیجه رسید، و کمیساری عالی پناهندگان مسئولیت رسیدگی به وضعیت این افراد را به عهده گرفت.

فدراسیون از کمیساری عالی پناهندگان خواسته بود این افراد را به عنوان پناهنده سیاسی به رسمیت شناخته و ترتیب انتقال آنها به يك کشور امن را بدهد. چرا که موقعیت زندگي آنها در يك کمپ و در يك کشور کاملاً ناامن و زیر نظر مقامات امریکایی بسیار سخت و خطرناک بود.

من به ایران بر نمی‌گردم، میدانید چرا؟

رقیه حسینجانی مقدم



امنیت دارند؟ کسانی که سر تسلیم در مقابل رژیم فرود آورده اند یا کسانی که کاری به کار رژیم ندارند و چشم و گوش خود را خواسته یا ناخواسته در مقابل این همه ظلم و زور و آوارگی بسته اند.

های سیاسی را درک می‌کردید. و شرایط ما افراد سیاسی را می‌فهمیدید. سیاسی در ایران کسی است که مخالف رژیم باشد نه اینکه حتماً رهبر حزب باشد.

وقتی پیام به سوئد رسیده بود فکر کردم اینجا میتوانم حرفم را با آزادی بزنم و مثل يك انسان زندگی کنم. در کشوری که حیوانات حق و حقوق خاص خود را دارند. جای تعجب است که برای انسانهایی مثل ما که همه زندگیشان را برای تحقق آزادی گذاشته اند، جایی وجود نداشته باشد.

من هرگز به ایران بر نمی‌گردم. چرا، راهی وجود دارد، جسد مرا می‌توانید تحویل ایران دهید.

من قربانی قوانین اسلامی رژیم ایران هستم ولی هرگز فکر نمی‌کردم روزی فرا رسد که قربانی برسی های سطحی و تصمیم های اجمالی دولت سوئد بشوم.

در این سیر کنجکاوپهت بهتر بود به زندان اوین هم سری میزدی. جوانانمایی را در زندان می‌دیدي که حرفی جز آزادی انسانها ندارند. فکر می‌کنی همه زندانیان سیاسی ما جزء رهبران گروه سیاسی اشان بودند؟ نه عزیز دلم، کاملاً در اشتباهی. آنها مخالف سیاستهای رژیم بودند و هیچ کدام شاید عضو حزب و گروه خاصی هم نبودند. گفتن و اظهار حتی يك جمله بر علیه رژیم کافیسست که زندگی و امنیت را از تو بگیرند.

برگشت به وطن برای ما یعنی مرگ یعنی جدائی. به من می‌گوئید مدرک بیآور که حرفه‌پهت را باور کنیم.

با خودم فکر می‌کردم شما در دنیای کاملاً مجزا از ما زندگی می‌کنید. شما از سیستم دیکتاتوری فقط چیزی شنیده اید. خواهرم را دستگیر کردند و بعد از ۱۵ روز شکنجه به جوخهٔ اعدام بردند. فکر می‌کنید ما بعنوان خانواده بعد از این جنایت و قتل چه مدرکی دریافت کردیم؟! يك مشت خنده و فحش!!!!...

من برای شما بسیار متأسفم. در کشوری که برای قتل و مرگ عزیزانمان مدرکی کتبی دریافت نمی‌کنیم، شما از من چه مدرکی می‌خواهید؟!

ای کاش برای يك بار هم که شده پرونده های ایرانیان را عمومی بررسی نمی‌کردید. برای يك بار هم شده موقعیت و شرایط ما خانواده

می‌فروشدند برای ساده‌ترین بیماری های عزیزانشان. فقر را در گوشه گوشهٔ خیابانها می‌دیدي. جوانان معتاد به هروئن را می‌دیدي که در کشور پر شده اند.

در این سیر کنجکاوپهت بهتر بود به زندان اوین هم سری میزدی. جوانانمایی را در زندان می‌دیدي که حرفی جز آزادی انسانها ندارند. فکر می‌کنی همه زندانیان سیاسی ما جزء رهبران گروه سیاسی اشان بودند؟ نه عزیز دلم، کاملاً در اشتباهی. آنها مخالف سیاستهای رژیم بودند و هیچ کدام شاید عضو حزب و گروه خاصی هم نبودند. گفتن و اظهار حتی يك جمله بر علیه رژیم کافیسست که زندگی و امنیت را از تو بگیرند.

آیا هرگز چیزی از حکومت دیکتاتوری شنیده ای؟ مطمئن هستم که شنیده ای ولی هرگز تجربه نکرده ای.

من فعال سیاسی بودم، اعلامیه بر علیه رژیم ایران پخش می‌کردم. از دید تو پخش اعلامیه یعنی اینکه مثلاً بروی کنار میدان گوتنبرگ بایستی و اعلامیه ای بر ضد حکومت سوئد پخش کنی. آری در اینجا اتفاقی نمی‌افتد.

ولی نه عزیزم در ایران خیلی فرق می‌کند. يك جمله ضد شرع اسلام، یا يك جمله ضد حکومت اسلامی ایران کافیسست که تو را به پای چوبهٔ دار ببرند. البته حق توبه و لو دادن هم‌زمانت را هم داری. اگر با این رژیم کثیف در این مسیر پیش‌مانه همکاری کنی حتماً زندگیت بو و شکل دیگری خواهد گرفت.

می‌دانی چه کسانی در ایران

عزیزانم از طریق این رژیم وارد شده بود. بخصوص کشتن خواهر عزیزم و فرار فرزندانم عاملی بود که هرگز این رژیم خونخوار را نبخشم. بله! معلوم است که فعالیت سیاسی می‌کنم. صد البته مخالف قاتلین خواهرم خواهم بود. با تمام وجود در این سالها بر علیه جمهوری اسلامی مبارزه کردم. بارها فرزندانم از من خواستند که از کشور خارج شوم ولی مخالفت کردم. احساس مسولیت در مقابل همه جوانانی می‌کردم که خونشان مثل خواهرم بی‌گناه ریخته شده بود. فقط به خاطر داشتن يك عقیده انسانی.

ای مسئولین محترم اداره مهاجرت. ای عاشقان و مجریان حقوق بشر اگر من جای شما بودم این قلم سیاه را که با هر امضاء می‌تواند زندگی انسانی را دگرگون کند به کناری می‌گذاشتم و قبل از اینکه ایران را کشوری امن معرفی کنم قبل از اینکه مبارزه يك زن ۵۲ ساله را امری عادی تلقی کنم یا به این جهنم که نامش ایران است می‌گذاشتم. نه به عنوان يك توریست خارجی که مورد احترام همه قرار بگیرم. نه به عنوان شخصی پولدار که با پول و رشوه حتی بالاترین مقامهای رژیم را بخرم. نه به عنوان يك انسان کنجکاو یا به ایران می‌گذاشتم.

آنگاه زنان خود فروش را می‌دیدي که برای تأمین خود و بچه‌هایشان تن به این کار ناپسند داده اند و چاره ای دیگر ندارند. بچه های خیابانی را می‌دیدي که پناهگاهی جز خیابان ندارند. انسانهایی را ملاقات می‌کردی که کلیهٔ خود را

من زنی ۵۲ ساله هستم و حدود ۲۵ است که در سوئد زندگی می‌کنم. شب و روزم وعنی انتظار را به خود گرفته. من و خانواده ام قربانی بی‌عدالتی ها هستیم. در ایران قربانی قوانین اسلامی و در اینجا قربانی قوانین به ظاهر انسانی. ای کاش کسی دست یاری به من میداد ولی کسی برای امثال ما قدمی برنمیدارد چرا که همه چیز بر اساس قوانین است و قوانین بر اساس سیاستهای مملکتی قانون بندی شده نه بر اساس حقوق انسانی.

در خانواده ای با امکانات مالی متوسط و حقوق بگیر بدینا آمدم. در اثر بیماری مادرم مجبور به ترك تحصیل شدم. برای گذر زندگی هنر آرایشگری را آموختم. با توجه به اینکه نوجوانی بیش نبودم بار مسولیت خانواده ام را تا حد توانم به عهده گرفتم و در آینده تبدیل به همسر و مادری مستقل شدم. روحیه استقامت و مبارزه در مقابل رویدادهای زندگی را در سیر نامالیقات زندگی آموختم. برادر و خواهرانم پا به عرصه سیاست گذاشتند و من هم در کنار آنها آموختم که زن مبارز باشم و سر تسلیم در مقابل ظلم فرود نیآورم. بعد از انقلاب برادرم دستگیر شد و خواهرم فرزانه حسینجانی مقدم اعدام شد. خواهر دیگری به همراه شوهرش فراری شد. بچه هایم فراری شدند و یکی پس از دیگری کشور را ترك کردند.

من ماندم با هزاران بلا در آن کشور خراب شده با افکار پوسیده اسلامی سیاستمداران. من ماندم و داغ ضربه ای که به تک تک



ما را در مبارزه مان یاری دهید استمداد یک مادر و دختر پناهجو در هلند

شنبه روز ما خواهد بود

ادامه از صفحه اول

کجای بلژیک، بگوئید تا در این روز خود را به تظاهرات سراسری در دفاع از حق شهروندی غیرقانونی ها برسانند.

**زمان: شنبه ۲۵ فوریه
۲۰۰۶ از ساعت ۲
بعد از ظهر**

**مکان: ایستگاه میدی در
شهر بروکسل**

به منظور تسهیل در امر نقل و انتقال علاقمندان به این تظاهرات، از شهرهای مختلف بلژیک، اتوبوس های مجانی تدارک دیده شده است که جهت استفاده از آن به این تلفن ها تماس حاصل کنید.

مونس: 0497271109
نمور: 0473869597
شاقلوقا: 0498634228
ورویه: 0494419652
آنتورین: 0484403863
گان: 0496279478
لیژ: 0497542433

**همبستگی فدراسیون
سراسری پناهندگان ایرانی
- واحد بلژیک**

ما روز شنبه ۲۵ فوریه، روز ما خواهد بود. هیچ يك از ما غیرقانونی نخواهد بود. هیچ يك به سر کار سیاه و زرد نخواهد رفت. روز شنبه ۲۵ فوریه، روز فتح خیابانهای بروکسل، روز نمایش مارش عظیم همبستگی ما و مردم بلژیک خواهد بود.

روز شنبه ۲۵ فوریه دست هایمان را در هم زنجیر میکنیم. صفوف مان را متحد میکنیم. و در خیابانهای بروکسل فریاد میزنیم: هیچ کس غیرقانونی نیست!

همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد بلژیک همراه با دهها نهاد و سازمان مدافع حقوق انسانی و پناهندگی، کلیه پناهندگان و پناهجویان ایرانی و کلیه کسانی که تا به امروز آنها را غیرقانونی خوانده اند را فرا میخواند تا هرچه گسترده تر در این تظاهرات مشترک در دفاع از حق اقامت و شهروندی کلیه غیرقانونی ها در بلژیک شرکت کرده و با نمایش همبستگی خود به دولتمردان بلژیک نشان دهیم که ما قربانیان خاموش و بی صدای این سرزمین نیستیم.

به هرکس که میشناسید در هر

شرکت در يك تظاهرات بر علیه دولت، دستگیر شده، و ما تا کنون هیچ اطلاعی از او نداریم.

بعد از اینکه یکی از دوستان پدرم به ما گفت که باید از کشور خارج بشیم، ما به دنبال اسایش و امنیت به هلند آمدیم، ولی تا الان نه تنها به آرامش و راحتی نرسیدیم بلکه در تمام این سالها در سختی و ناآرامی و زیر فشار و سترس زیاد بودیم.

حالا بعد از ۶ سال تحمل مشکلات، ما در تاریخ ۲۱ فوریه دوباره باید به دادگاه برویم و تقاضای پناهندگی مود را دوباره از دادگاه هلند بخواهیم،

برای همین من میخواهم از تمام کسانی که این مطلب را میخوانند تقاضا کنم که با امضای خود ما را در این نبرد بسوی آزادی یاری کنند.

با تشکر، غزل

**برای امضای تومار لطفا به
لینک زیر مراجعه کنید:**

<http://www.PetitionOnline.com/fariba/petition.html>

(بیش از ۵ سال) اقامت خانم فریبا ... و غزاله ... در هلند و ترس ایشان از حاکمیت جمهوری اسلامی و برگشت به جهنمی که برای آنان درست شده که هنوز هم با توجه به گذشت این زمان (۵ ساله) در آنان کاملا مشهود است .

چهارما: بخاطر محق بودنشان و ترسی که باعث فرارشان از ایران شده .

پنجما: با در نظر گرفتن زندگی تحمیلی به غزاله ... و الحاق وی در جامعه هلند و مورد آموزش قرار گرفتنش در مدارس هلندی و تعلق غزاله به این جامعه ؛ که در آن از کودکی به جوانی رسیده .

میخواهیم که هر چه زودتر درخواست پناهندگی خانم فریبا ... و غزاله را برسمیت بشناسید . اقامت آنان را تأیید کنید و برایشان روزگاری آرام درست کنید تا بتوانند بر ترسهای که از حضور حکومت مستبد مذهبی در ایران فراهم شده خود را رهانیده و به يك زندگی لایق بشر امروز بپردازند .

شرح حال فریبا و دخترش غزل

در اپریل سال ۲۰۰۱ من و مادرم از ترس جمهوری اسلامی ایران به هلند آمدیم، و تقاضای پناهندگی کردیم. من يك دختر ۱۹ ساله ایرانی هستم که از ۱۳ سالگی با مادرم در هلند زندگی میکنم.

پدر من در ایران جزو فعالان سیاسی ضد رژیم بوده، و بعد از

ایران هنوز هم با تمام اعتراضات داخلی و خارجی که بر مسئولانش اعمال میشود رتبه ای بالا در نقض حقوق انسانها را در ایران حتی اعتصاب کارگران بخاطر دست مزدشان و اعتراض آنان به کارفرماهایشان به توسط مقامات حکومتی به شدیدترین وجه ممکن سرکوب میگردد.

در ایران زنان همچنان شهروند درجه دو محسوب میشوند و شهادتشان برای دادگاه نصف شهادت مردان محسوب میگردد .

در ایران هنوز ارتباط احساسی زنی به مردی و یا بر عکس با سنگسارشان جواب میگردد .

در ایران کودک واژه دیگرستی ؛ کودک جنسی است که پدر و مادر مالک آن هستند و هر کاری دلشان بخواهد میتوانند با کودک کرده و نظرتشان را به کودک اعمال نمایند ؛ کودکان در ایران هیچ حقی برای انتخاب ندارند.

در ایران طبق گزارشات متعدد سازمانها و نهادهای مدافع حقوق بشر همچنان و پیوسطه حقوق انسانها نقض میگردد .

ما امضاء کنندگان زیر از اداره بررسی امور پناهندگان در هلند با توجه به :

اولا: در نظر گرفتن گزارشات متعدد هیومن رایتز سازمانهای

متعدد از نقض حقوق بشر در ایران. دوما: در نظر گرفتن مورد ظلم واقع شدن انسانهایی که در ایران زندگی میکنند در همه موارد زندگی با دخالت مذهب حتی در امور خصوصیشان (بویژه ظلمهای متعدد که به زنان هم در قانون رایج و هم در فرهنگ مذهبی رایج روا میشود).

سوما : با در نظر گرفتن مدت زیاد

همبستگی ویژه کمپین زندگی بدور از ترس شماره ۴ منتشر شد
همبستگی ویژه کمپین دفاع از حق اقامت پناهجویان در انگلستان هر هفته تا پایان کمپین با سردبیری سیامک امجدی منتشر میشود.
همبستگی ویژه کمپین زندگی بدور از ترس را میتوانید در سایت همبستگی مطالعه کنید.

به فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی پیوندید

درد و دل یک تازه کار!

شاهین احدپور



و حصرم دیری نپائید و با تلفن انتقاد آمیز آن شخص روبرو شدم. ایشان از قرار معلوم با دوست مشترکمان که صاحب یکی از این تلویزیون های ۲۴ ساعته در آمریکاست تماس میگیرد تا درباره جریان ما و تلویزیون کانال جدید اطلاعات لازم را به دست آورد که متأسفانه بعد از کسب اطلاعات دعوت مرا رد کردند. ولی من هم طبق معمول با زبان چون غسل

کرد و اضافه کرد که این رابطه از ۱۰ سال پیش رو به بهبودی نهاده. در این لحظه برابم ابهامی پیش آمد و با خود گفتم شاید ایشون فکر میکنند من از سفارت ایران برای تهیه گزارش آمده ام و نه از حزبی که سالهاست در اپوزیسیون زخم خورده این نظام اسلامیست. بالاخره مصاحبه تمام شد و من دست از پا درازتر برگشتم.

در یکی دیگر از این هفت خوانهای رستم وارم که برای تهیه هر کدام از مصاحبه هایم میگذرانم به سراغ یک شخصیت بسیار معروف و آگاه ایرانی در زمینه پناهندگی که زبان قوانین آلمان را به خوبی میدانند و با ایشان آشنائی هم داشتم رفتم و تلفنی از ایشان برای مصاحبه وقت خواستم و اینبار هم طبق معمول اشاره به تلویزیون حزب و خبرنگاری خودم برای آن کردم و ایشان هم با کمال رضایت دعوت مرا پذیرفتند و تاریخی را برای مصاحبه مشخص کردیم و من هم خوشحال و خندان از پذیرفته شدن این دعوت به تدارک سناریو و متعلقات دیگر مصاحبه پرداختم. در آن لحظه بقدری خوشحال بودم که هیچ حد و حصری نداشت. نه بخاطر خودم که با این کار در این عرصه جانی را دست و پا میکنم، بلکه به این دلیل که بالاخره برای یک بار هم که شده یک نفر من را بخاطر کمونیست بودنم پس نمیزند و دعوت مصاحبه ام را قبول میکند چون قبول مصاحبه به یه معنی قبول حزم (حداقل نه افکارمان بلکه وجودمان به عنوان یک جریان فعال) برایم تلقی می شد. از بخت بدم این حس و خوشحالی بی حد

این است شیره را خورد گفت شیرین است!!!). جوابهایی که ایشان میدادند بعضاً نه به درد من میخورد و نه میشد با آن سوال دیگری را مطرح کرد. خودم به شخصه آنقدر پدر سوخته و هفت خط هستم که بتوانم از یک جواب ایشان، صد سوال دیگر طرح کنم و بالاخره به جایی که مایلم برسم ولی متأسفانه بقدری با ظرافت و احتیاط جواب میداد که دیگر هیچ جای مانوری برای من باقی نمیگذاشت. خلاصه در اواخر سوالاتم در مورد عملیات تروریستی جمهوری اسلامی ضد اپوزیسیون خارج از کشور و نقش این دست از جنایات جمهوری اسلامی در خارج از کشور که حداقل برای خود اروپائیان اثبات شده است بر سیاست پناهندگی پرسیدم که ایشان با کمال حیرت که اصلاً انگار در هیچ باغی نیست و بجز دفتر کارش و کافه تریا محله هیچ جای دیگری را ندیده و ارزش نشنیده احضار بی اطلاعاتی کامل کرد و گفت (خواننده دقت کند که ایشان مثلاً عضو حزب سبز است و این حزب به واکنش سریع علیه اقدامات غیر انسانی معروف است و فقط همین اواخر به علت صحبت های ضد اسرائیلی احمدی نژاد، پیشنهاد به محرومیت ایران از جام جهانی فوتبال داد) که در این مورد هیچ اطلاعی ندارد و هیچ تفسیری را نمیتواند ارائه دهد. در ادامه من برای کشیدن آخرین حرف از زیر زبان مبارکشان در مورد گفته های احمدی نژاد مبنی بر حذف اسرائیل از صفحه روزگار که حتی خود حزب سبز نیز آنرا قویاً محکوم کرده بود پرسیدم و سوال کردم که آیا این دست از مسائل میتواند بر پروسه پناهندگی تاثیر گذار باشد که ایشان به رابطه حسنه بین ایران و آلمان اشاره

نورداین وستفالن آلمان و عضو سبزه است. برای گرفتن وقت مصاحبه از ایشان تلفنی درخواست کردم و با اولین سوال ایشان یعنی هویت جریانی که برای آنها گزارش میکنم روبرو شدم که ایشان بعد از اینکه از من نام فدراسیون سراسری همبستگی پناهندگان ایرانی را شنیدند بصورت وحشتناکی لحنش تغییر کرد و به گناه کمونیست بودنم خواست دعوت مصاحبه مرا رد کند که بالاخره بعد از اینکه گفتم که این مصاحبه فقط حول محور مسائل پناهندگی میگردد و نه لنین و چگوارا!!! با اکراه فراوان با درخواست من موافقت کرد. خلاصه با عوامل و تدارکات اندکی که داشتم به دفتر ایشان رفتم و قبل از هر چیز سوالات را به ایشان نشان دادم و گفتم که اگر به هرکدام از این سوال ها که مایل به جواب دادن نیستند فقط اشاره کنید تا یا به نوع دیگر مطرح کنم و یا از خیرش بگذرم که ایشان هم فقط اشاره کردند که از کمونیست ها انزجار دارند و هیچ تمایلی به گردش مصاحبه به سوی کمونیسم ندارد. بالاخره با اکراه فراوان و نارضایتی درونی که بعضاً از سیمای ایشان نیز مشهود بود کلید دوربین زده شد و من سوالات را یکی پس از دیگری مطرح کردم. عمده سوالات در مورد مصائب و مشکلات پناهندگان و مشخصاً پناهندگان ایرانی از آغاز تصویب قانون مهاجرت بود که ایشان متأسفانه بسیار ناروشن، ناواضح، ناقص و بعضاً اغماض آمیز به سوالات پاسخ میداد گویی که نه عضو بلندپایه شورای پناهندگان یکی از بزرگترین استان های آلمان است و نه عضو سبزه (از کرامات شیخ ما

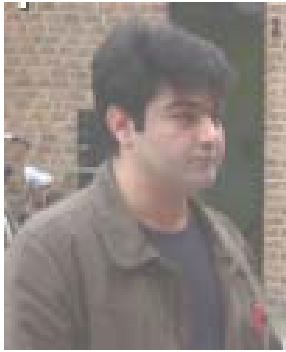
من شاهین احدپور خبرنگار تلویزیون همبستگی هستم. با ارادت خدمت تمامی رفقای عزیزم میخواستم در این مقاله با ذکر دو رویداد، برای یک ملاحظه، که به نظر من با صحبت هایی که با رفقای با سابقه داشتم و بر سر آن توافق جمعی وجود دارد در خواست رسیدگی کنم. متأسفانه از وقتی که در این جریان پا به عرصه خبرنگاری گذاشته ام و طبیعتاً به دنبال سوژه های مختلف از طیف ها و جریانات حزبی و غیر حزبی رفتم با معضلی روبرو شدم که شوربختانه واقعی و ابجکتیو به نظر میاید. این معضل نه برای اولین بار از طرف من و امثال من نوعی بلکه بارها و بارها ضرورت پیگیری آن توسط خود منصور حکمت بیان شده است.

روزی که منصور حکمت از اجتماع و ضرورت تشکیل یک حزب اجتماعی صحبت میکرد به درستی میدانست که پا به چه عرصه ای میگذارد. او به روشنی مشکلات و موانع سر کسب قدرت سیاسی را میدانست. او میدانست که برای آلتزاتیو بودن باید جلوی چشم وعلنی و مطرح بود. شاید روزی که این مطالب را از او میخواندم، اهمیت اکسیستنس آنرا به درستی نمیفهمیدم و به علت عدم تجربه عملی لازم در این زمینه نمیتوانستم ارزش قضیه را به درستی متصور شوم. ولی در این لحظه که این به اصطلاح خودم، "ملاحظه نامه" را قلم میزنم به این ضرورت پی برده ام. چندی پیش برای روشن شدن برخی از جوانب مسائل پناهندگی و مسائل سیاسی دخیل بر آن، تصمیم به مصاحبه با یک شخصیت آگاه و فعال حقوق پناهندگی گرفتم. این خانم سخنگوی شورای پناهندگان استان

پناهندگی حق هر کسی است که از استبداد و اسلام سیاسی و بی حقوقی میگریزد

کاریکاتور محمد، یورش به هر چه مقدسش مینامند

رامین تقی پور



ضعفهای خود میباشند و همواره سعی در انحراف اذهان عمومی نسبت به واقعیات تلخ جاری در بیستر جامعه را دارند .

حمایت راهی که روزنامه دانمارکی آغاز کرد و به شکل گسترده تر توسط دیگر روزنامه ها ادامه دارد میتواند راهکار ارزنده ای برای کثرت گرایی در خصوص به نقد کشیدن و به طنز در آوردن هرآنچه آنان مقدس اش مینامند ، باشد و زمینه ساز یورش موثری برساختار و پیوس و پیرانگر بنیادگرایی اسلامی و در راس آن اسلام سیاسی گردد .

مرگ بر جمهوری اسلامی
زننده باد سوسیالیزم

شده توسط دولتهای ارتجاعی که در صدر آنها جمهوری اسلامی نیز قرار دارد تا در تقابل با نفوذ ارزشهایی چون آزادی و برابری بر این دست از جوامع مانع ایجاد کنند و دائما با تحمیل این احساس که ارزشهای دینی شما را از بین میبرند آن بخش محدود و ناآگاه جامعه را تهییج کنند و نهایتا در این نوع از تظاهراتها شرکت کنند . تقابل اخیر موجود بین برخی از ارزشهای جوامع غربی در خصوص آزادی بیان و در مقابل بنیادگرایی اسلامی تحت فرمان اسلام سیاسی ریشه در جهل و عقب ماندگی حاکم بر بخش محدودی از جوامع اسلام زده دارد و دودل مستبد و حاکمان ارتجاعی کشورهای حامل و پیوس و پیرانگر و مخرب بنیادگرایی اسلامی در صدد به جوش آوردن آن گروه ناآگاه جامعه برای اعتراض به چاپ کاریکاتورهای محمد و بوجود آوردن فضایی برای تحت شعاع قرار دادن

و بنیادین در راستای مدرنیزاسیون هستند و شاهدند که چگونه ارزشها و سنتهای مقدس شان بی اعتبار میشوند و روند میراثی و زوال را میپیمایند .

راهبردهای بنیادگرایی اسلامی تحت



رهنمودهای اسلام سیاسی را میتوان واکنش قهرآمیز تعداد محدودی از افرای های جوامع اسلام زده دانست که کاملاً برنامه ریزی و هماهنگ

شکل گیری میباشد .

متأسفانه جهان آزاد هنوز در واکنش به این مطلب فاقد زبان مشترکی است شاید عده ای بر این نظرند که خشونت ها و اعتراضات جاری در جوامع اسلام زده نسبت به چاپ کاریکاتورهای محمد واکنشی است در برابر تحمیل یکجانبه و عجولانه آزادی و ارزشهای جوامع غربی به جوامع عقب افتاده و اسلام زده و احتمالاً برخی از تقابل و مقابله فرهنگی سخن میگویند و واکنش جوامع اسلام زده نسبت به کاریکاتورهای محمد را ناشی از حقارت و احساس یاس انسانهای محدودی میدانند که زیر بار حکومت های مستبد و دینی از دیگر داده های اجتماعی و انسانی بی دانشند و از ابتدائی ترین حقوق خود محرومند این دسته از انسانها در مقابل خود شاهد دیگرگونی های پرشتاب

امروزه واژه بنیادگرایی اسلامی معنای هولناکی از جهالت ، تعصب کور و نفرت آمیخته به تهاجم خشونت بار علیه هرآنچه خارج از دایره اخلاق و ارزش های ارتجائی اسلامی است را در ذهن تصویر میکنند برای جهان واکنش گروههای محدودی از جوامع اسلام زده نسبت به چاپ کاریکاتورهای محمد توانست عمق ویرانگر و مخرب بنیادگرایی اسلامی رهنمود گرفته از اسلام سیاسی را نمایان سازد .

بعد از اقدام شجاعانه روزنامه دانمارکی در چاپ کاریکاتورهای محمد شاهد واکنش کشورهای اسلام زده توسط افراد محدودی از جامعه بوده ایم و همه روزه تظاهراتهای سازمان یافته ای با حمایت نهادهای دولتی چون جمهوری اسلامی و دولت سوریه و دیگر جریانهای اسلامی ارتجائی در کشورهای دیگر در حال

درد و دل های ... ادامه از صفحه قبل

گناه کمونیسم شخصیت او را زیر سوال نبرد من آماده ام آماج هزاران نوع انتقاد و ملاحظه قرار بگیرم و لی با من دست کم و غیر واقعی برخورد نشود . لازمه نیل به این هدف از نظر من حقیر شناساندن حزب به جامعه و تعریف راهکارهای لازم است سرآخربا تشکر از همه رفقا منتظر راهنمایی های شما هستم .

پنهانندگی با مبارزان سیاسی و.... مصاحبه کنم تا بدینوسیله هم خودمان را از حالت درون حزبی و درون گرایی خارج کنیم و هم خودمان را به دیگران نشان دهیم (که البته این نیز نباید باعث دوری ما از آرمانهایمان و اهدافمان شود) و علنی تر کار کنیم تا بدینوسیله دیگر فلان فعال یا فلان مبارز موقع صحبت با یک کمونیست او را تحقیر نکند و به

با این برخوردها تحت تأثیر قرار میگیرم و به دنبال راه حل قضیه می گردم ، راه حلی که بتواند این وضعیت را بهتر کند و وقتی میخواهم وقت مصاحبه ای با فلان فعال بگیرم تحت حمله های روانی نباشم و به کمونیست بودنم افتخار کنم . من صمیمانه از دوستان و رفقا می خواهم که در این زمینه همت کنند . و با طرح برنامه های عملی موفق و راه حلهای موثر قدم در جهت اجتماعی کردن هر چه بیشتر این جریان بردارند . خود من همیشه سعی میکنم که کلمه کمونیست را از خانواده ام گرفته تا جامعه ای که در آن زندگی میکنم جا بیاندازم . دوست دارم عرصه فعالیت های خبری و گزارشی خود را از حیطه حزب ، فرا تر ببرم و بیرون حزب هم فعالیت کنم . با فعالان حقوق

طلبها بالنسبه بسیار علنی تر و اجتماعی ترند و نمیشود بدینگونه با این قضیه برخورد نمود و متأسفانه این يك حقیقت است .

ما اگر بخواهیم که يك سکت سیاسی نباشیم یا يك گروه فشار و یا يك سازمان زیر زمینی مثل شاهدان پهلو و ترکان یزیدی و مورمونها و بهائی ها.... باید رابطه خود با اجتماع را يك بار دیگر تعریف کنیم باید از همینجائی که به آن تبعید شده ایم شروع کنیم . از مدارس ، روزنامه ها ، جمع ها و محافل سیاسی و مطبوعاتی و... خودم بالشخصه با این اندک تجربه سیاسی که در طی مدت کار با حزب اندوخته متأسفانه

به قدری مرا رنج داد که مجبور شدم مصاحبه را قطع کنم و با ذکر يك تذکر به ایشان مصاحبه را ادامه دادم و سوال را دوباره مطرح کردم و بجزوری سرو ته قضیه را هم آوردم . نکته اینجاست که این شخص و امثال آن طوری با این قضیه برخورد میکنند که اصلاً ما وجود خارجی نداریم و طوری بجای منصور حکمت میگه آقای حکمتی که انگاری اصلاً هزاران سال است که تاریخ ما تمام شده .

مطمئن بودم که اگر يك سلطنت طلب بودم و مقاله ای را از شازده رضا یاد میکردم ایشان بدین صورت به این قضیه برخورد نمیکردند چون سلطنت

اگر میخواهید پنهانده شوید، اگر از پاسخ های منفی و انتظار خسته شدید، اگر میخواهید سرنوشت تان را خودتان تعیین کنید، اگر میخواهید سیاست های ضد پنهانندگی را درهم شکنید به فدراسیون سراسری پنهانندگان ایرانی بپیوندید

مناظره با وزیر در تلویزیون

گفتگوی کانال ۸ تلویزیون سوئد با کیمیا پازوکی از مسئولین فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و باربرو هولمبری وزیر مهاجرت سوئد.



پناهندگان ایرانی همه پناهجویان و علاقمندان به مسایل پناهندگی و سازمانها و نهادهای دفاع از حقوق پناهندگی را به شرکت و حمایت گسترده از کمپین فرا می خواند.

همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سوئد

۲۲ فوریه ۲۰۰۶

طور مخفی زندگی کرده اند و با اجرای قانون موقت پناهندگی برای بار دوم در اداره مهاجرت ثبت نام کرده اند، اقامت بگیرند. گزارش ۲۶ صفحه ای وزارت خارجه سوئد در مورد نقض حقوق بشر در ایران، عمق فجایعی که به طور روزمره از سوی جمهوری اسلامی به شهروندان آن کشور اعمال میشود دلایل فرار مردم از ناامنی در ایران را به خوبی اثبات میکند.

همبستگی، فدراسیون سراسری

مارس، دائر کردن غرفه اطلاعاتی در شهر گوتنبرگ از ۱۳ تا ۱۷ مارس، نشست و مذاکره فدراسیون با شورای نظارت بر قانون در نیمه دوم ما آوریل و دعوت از اداره مهاجرت برای جواب به سوالات پناهجویان در تاریخ ۱۰ مارس گوشه هایی از کمپین فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سوئد به همراه مجتمع آنها برای تغییر در زندگی پناهجویان می باشد.

تلاش فدراسیون این است که تمام پناهجویانی که مدتها در سوئد به

سراسری پناهندگان ایرانی توجه همه ایرانیان و پناهجویان ایرانی را به این مناظره جلب میکند. این شروع کمپین ما برای دوره دیگری در دفاع از حق پناهجویانی است که از بی حقوقی و سرکوب سیاسی در ایران گریخته اند.

گفتگوی کیمیا پازوکی با تلویزیون سوئد در میان جمعیت زیادی از پناهجویان راستکلم، برگزار می شود. تظاهرات در مقابل اداره مهاجرت در شهرهای مالمو و گوتنبرگ در ۲۸

روز چهارشنبه ۲۲ فوریه، کانال ۸ تلویزیون سوئد در دو برنامه جداگانه اما همزمان در مورد نتایج قانون موقت پناهندگی که از ۱۵ نوامبر ۲۰۰۵ به اجرا درآمده بود، گفتگویی انجام داده است. این گفتگو روز پنجشنبه ۲۳ فوریه ساعت ۱۰ شب از کانال ۸ به صورت یک مناظره تلویزیونی پخش خواهد شد. کیمیا پازوکی در این گفتگو بطور مفصل به وضعیت ناامن در ایران و شرایطی که پناهجویان ایرانی در آن بسر میبرند پرداخته است. همبستگی، فدراسیون

از دیپورت یک پناهجوی ایرانی در تورنتو جلوگیری کنیم!

ادامه از صفحه اول

بپیوندید تا مانع اخراج این پناهجو شویم.

ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی برای هیچ کسی کشور امن نیست و نباید اجازه داد دولت کانادا کسی را به آنجا دیپورت کند، در ایران روزی نیست که دهها نفر را به جرم مخالفت با حکومت به زندان نیندازند، هنوز تعداد زیادی از کارگران مبارز شرکت واحد در زندان بسر می برند، زن در حکومت اسلامی جنس درجه دو به حساب می آید و از بسیاری از ابتدائیتترین حقوق محروم است، مردم کانادا هنوز قتل وحشیانه زهرا کاظمی را بیاد دارند

9 3 2 1 7 2 6 4 1 6
yadi_mahmodi@yahoo.com

Monday February, 27

آدرس و ساعات دادگاه:
Univercity 330
Avenue
At: 9:00 AM

همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایران تورنتو

ما ضمن محکوم کردن این تصمیم اداره مهاجرت به همراه تعداد زیادی از نهادهای حقوق پناهندگی روز ۲۷ فیبریه را به روز اعتراض علیه سیاستهای ضد پناهندگی دولت کانادا تبدیل خواهیم کرد. روز دوشنبه بیست و هفتم فیبریه به ما

اطلاعیه پناهندگان کرد ایرانی در ترکیه

پیرامون یورش به تجمع اعتراضی پناهندگان موسوم به شمال عراقی در ترکیه

"کریم توژلی" از ترکیه که او را به دار اعدام جمهوری ترور و خونریزی آخوندی سپارد به حمایت از این ۱۲۰۰ پناهنده در ترکیه برخیزند.

عکسهایی از پناهنده ای که در حال رفتن به آنکارا در ترمینال شهر آقین توسط پلیس دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار گرفته را ضمیمه نموده ایم

واحد خبر پناهندگان کرد ایرانی در ترکیه

۲۲ فوریه ۲۰۰۶

امروز چهارشنبه ۲۲ فوریه ۲۰۰۶ بیش از ۱۵۰ پناهنده کرد ایرانی از کیس موسوم به شمال عراق در اعتراض به بی توجهی کمیساریای عالی پناهندگان به وضعیت وخیمشان در ترکیه و ممانعت دولت ترکیه از اسکاندهی شان در کشور سوم که مدت ۵ سال بلاتکلیفی ۱۲۰۰ پناهنده کرد ایرانی را به دنبال داشته است در جلو درب آن کمیساریا در شهر آنکارا تجمع آرامی انجام داده و خواستار رسیدگی سریع به وضعیت خود و اسکاندهی در کشور سوم امن پناهنده پذیر شدند.

همانند تجمعات گذشته جمعیت معترض با موافقت دفتر UNHCR مورد هجوم پلیس ترکیه قرار گرفته و دستگیر شدند. کلیه دستگیرشدگان تا زمان انتشار این اطلاعیه از آنکارا تحت نظارت پلیس به شهرهای محل اقامتشان بازگردانده شده و بخشی از آنها هنوز در بازداشت پلیس می باشند!

از کلیه دلسوزان، حامیان این پناهندگان، شخصیتها، سازمانهای مدافع حقوق بشر و پناهندگی، احزاب و سازمانهای سیاسی می خواهیم قبل از وقوع فاجعه دیگری همچون دیپورت

پاسخ به منتخبی از نامه های رسیده

فرشاد حسینی پاسخ میدهد

هلند

علی سوری، همکاری با نشریه

با سلام : من حدود پنجاه روز پیش به دلیل مشکلاطم در ایران وارد هلند شده و تقاضای پناهندگی نمودم. هشت روز را در انفرادی و جدا از همسر و هیجده روز را در کمپ بسته و اکنون نیز در کمپ موقت خلیز میباشم . متاسفانه چندین بار از طرف پلیس خارجی مورد توهین قرار گرفتم. اینکه ما را گروگان می گیرند و بسیاری از موارد دیگر که حتی موجب تعجب کارکنان اینجا نیز شده است . در ضمن من مقالات و شعرهای سیاسی نیز دارم که مایلم در هفته نامه شما درج گردد. این موضوع را برای خانم پوینده نیز میل کردم اما متاسفانه جوابی نشنیدم . با توجه به اینکه به نظریات و خط مشی شما احترام میگذارم ، می خواستم بدانم آیا امکان همکاری در زمینه های مختلف از جمله درج مقالات و سرودهای سیاسی من یا هر موضوع دیگری وجود دارد؟ با سپاس .

پاسخ: دوست عزیز رفتار غیرانسانی مقامات اداره مهاجرت هلند با شما روی سکه دیگر سیاست خشن دولت هلند در خصوص پناهندگان میباشد. بسیاری از مردم هلند اطلاع ندارند که چه به سر پناهجویان در کمپ ها می آورند. شما میتوانید تمام اتفاقاتی که برایتان رخ داده را به شکل يك گزارش دقیق و با ذکر جزئیات نوشته و آن را در اختیار ما و سایر رسانه های گروهی هلند

قرار دهید. قطعاً باید نورفکن ها را به این نقطه های کور زوم کرد و به مردم نشان داد که به نام آنها چگونه با پناهجویان مانند جانیمان و خلافکاران خطرناک برخورد میکنند. شما میتوانید مقاله یا حتی شعرهای خود را برای ما ارسال کنید قطعاً تلاش میکنیم آنها را یا در نشریه یا در سایت منعکس کنیم.

سعید عبدالهی، آدرس و کلای سرشناس در هلند

با درود به شما : طبق تماس تلفنی در مورد درخواست تأییدیه از آدرسهای وکلای شناخته شده برای قبول پرونده مورد نظر.

پاسخ: دوست عزیز در نامه جداگانه لیستی از وکلای معتبر در هلند برایتان ارسال شد. به امید موفقیت

فردونک سیاستمدار سال

این را بدانید که خانم فردونک بر خلاف چیزی که شما نوشتید به عنوان سیاستمدار سال انتخاب شده ، همینطوری مطلب ننویسید .

پاسخ: دوست عزیز خانم فردونک هرگز سیاستمدار محبوب مردم هلند نبوده نیست و نخواهد بود. خانم فردونک بهترین سیاستمدار اجرای سیاست های راست و ضدانسانی است. طبیعی است که از جانب راست ترین و هار ترین گرایشات سیاسی اروپا مورد حمایت و تشویق قرار میگیرد. جالب اینجاست این بحث درست در بهبوحه استیضاح خانم فردونک

پرونده

سلامت باشید .

آمدند و گفتند که تا ساعت ۱۲ وقت دارید ، اگر نروید پلیس شما را بیرون میکنند و پیر زن گفت بیاید ما از اینجا تکان نمی خوریم . من با تلفن شما تماس گرفتم ولی روی پیام گیر بود و من با یکی از خانم های افغانی که از صبح در کنار این خانواده بودیم ، قبل از ساعت ۱۲ به خانه مان رفتیم چون قرار بود من چند عکس بگیرم که اگر خوب شده باشه برایتان ارسال کنم. ساعت ۱۲ دو نفر از کمپ به همراه ماشین پلیس آمدند بعد از چند لحظه پلیس با پیر مرد که توانایی راه رفتن نداشت بیرون آمدند و پشت سر آنها همشرش را که مقاومت میکرد و فریاد میزد ، صدای فریاد این زن قلب هر انسانی را به درد می آورد ، من با دست لرزان از طبقه بالا چند عکس گرفتم و بلافاصله به پایین رفتم ، صحنه آنقدر درد آور بود که نمی توانید تصورش را بکنید. يك پیر زن را چند پلیس روی دست گرفته و به زور توی ماشین کردند و پیر مرد بی چاره نقش زمین شده بود ، من تنها کاری که توانستم بکنم رفتم با سر پیر مرد ، بهبوش بود ، داد زدم ، آب، تا بلاخره يك کسی آب به صورتش زدم . فقط تونستم بهش بگم کاکا جان قوی باش. وقتی پیر مرد چشم هاشو باز کرد ، پلیس ها چهار نفری از روی زمین بلندش کردند در حالی که پیر مرد دست منو چسبیده بود ، پلیس دستش رو از توی دست من کشید ، نمیدونید چقدر درد ناکه وقتی تمام ثجود آدم فریاد ولی کاری از دستش بر نمی آید. من واقعاً نمی دونستم چکار کنم ، شوکه شده بودم تا اینکه صدای فریاد و گریه دوستم را شنیدم. گفت: کاکا جان و خاله جان را بردند. میترا

پاسخ: دوست عزیز شما پس از ارسال پرونده خود به دادگاه اروپا از این نهاد نامه ای دریافت خواهید کرد که آیا این شکایت برابر مقررات دادگاه میباشد یا خیر و آیا شکایت شما وارد پروسه خواهد شد یا نه. اگر اعلام کنند که شکایت شما برای بررسی قانونی پذیرفته شده باید منتظر رسیدن موعد رسیدگی به پرونده تان شوید. تا زمانیکه پرونده شما برای رسیدگی نهایی نزد دادگاه اروپا باشد شما میتوانید اقامت قانونی داشته و قانوناً هیچ مرجعی اجازه اخراج شما را ندارد .

کاکه جان و خاله جان را بردند!!!

سرگذشت دستگیری زن و مرد سالمند پناهجوی افغانی در هلند

فرشاد عزیز: با سلام و درود بی پایان برای همه زحمت هایی که می کشید . در حالی این نامه را می نویسم که قلمب آکنده از درد است ، دردی که شما ها خوب می توانید آن را درک کنید. امروز يك پیر مرد و يك پیر زن افغانی را از کمپ ما بیرون کردند. پیر مرد که ۸۵ سال داشت و حتی توانایی راه رفتن نداشت از يك هفته قبل به اینجا گفته بودند که شما باید از کمپ بروید و می توانید که به منزل پسر تان بروید و یا اینکه به افغانستان بر گردید و این زن و شوهر نمی خواستند که سر بار پسرشان باشند و نمیخواستند از کمپ بیرون بروند ، حتی وکیل هم برای کمپ نامه نوشت که آنها باید بمانند چون هر دوی آنها بسیار پیر و بیمار هستند . به آخر امروز صبح از طرف کمپ به خانه این خانواده

محسن زرباف، چگونه میتوانم به دادگاه اروپا شکایت کنم؟

با سلام به آقا فرشاد حسینی: من سئوالی داشتم که در حال وکیل من دادگاه عالی اروپا اقدام کرده، یعنی کار های اولیه را انجام داده است و آن فرمولها را پر کرده ایم. میخواهم بدانم که چه وقت دادگاه عالی خبر می دهد که محسن زرباف می تواند در هلند بماند تا جواب کامل دادگاه عالی. چون شنیدم که امکان دارد دادگاه عالی بگوید که مثلاً: محسن زرباف باید در کشور ثالث منتظر جواب بماند. که من با تماسهایی که هفتهپیش با وکیل گرفتم به من گفت که هفته آینده دادگاه عالی نامه میدهد برای همین مورد ، آیا من از وکیل درست شنیدم یا نه؟ آقا فرشاد شما در مورد دادگاه عالی اطلاعات دارید؟ آیا پناهنده حق دارد که برای رسیدگی پرونده اش در کشور مذکور مثلاً هلند بماند؟ من ترسم الان از این هست که نکند هلند برای من مشکل درست کند.

دارم . من منتظر جواب شما هستم. Europeese hof و Schrijnenede و gevaal من در حال حاضر

ترکیه:

کیوان، برای نجات انسانها، هر کاری میتوانید انجام دهید

با درود: آقا فرشاد، امیدوارم که حالتان خوب باشد و سر حال باشید. همانطور که قبلاً به شما گفتم شرایط پناهندگی در اینجا بسیار سخت هست و پناهندگان در اینجا متحمل شرایط سختی هستند و در این اثنی من با یک خانم جوان پناهنده که حامله هم هستند و منتظر جواب آشنا شدن که هیچ کس را ندارد و بی پشت و پناه است متحمل شرایط بسیار سخت می باشد. من تا آجایی که میتوانستم کمکش کردم ولی حالا به خود شما که وضعیت من را میدانید، من که کاری نمیتوانم کنم جز غصه خوردن. من از شما درخواست دارم که هر کمکی که از دستتان و یا سازمانهای حمایت از زنهای بی پشت و پناه بر می آید انجام دهید برای این هموطن. حداقل این یکی را نگذاریم که آواره و ... شود. در ضمن نام آن خانم آیدا هست. از زحمات فراوان شما بسبب به هموطنان نهایت تشکر را دارم. هر کمکی که از دستتان بر می آید را برای این هموطن انجام دهید.

موفق و پیروز باشید

پاسخ: دوست عزیز حتما هر کاری که در توانمان باشد برای این خانم انجام خواهیم داد. اما برای رسیدگی و هر گونه اقدام در خصوص پرونده ایشان باید فرم درخواست تاییدیه مندرج در سایت همبستگی را پر کرده و برای ما ارسال کنند.

عیسی، دستان ما را بگیرد

با سلام آقای حسینی، از اینکه جواب ما را دادید متشکرم و خیلی خوشحال شدم از اینکه حاضرید بمن کمک کنید. خواهشمندم برای من هر کاری میتوانید انجام دهید. باور کنید به

سختی روزها و شبها را سپری می کنم. لطفاً دستان ما را بگیرید، خواهشمندم فرم را پر کرده و با ایمیل فرستادم با تشکر.

پاسخ: عیسی عزیز حتما اقدامات لازم در خصوص پرونده شما را انجام خواهیم داد. اما شما نیز باید دست سایر هم سرنوشتان تان را گرفته و متحدانه یک صف بزرگی برای مبارزه در خود ترکیه شکل دهید. تنها با کار حقوقی نمیتوان مشکلات را حل کرد. متحد شدن متشکل شدن و رو آوری به یک مبارزه سیاسی میتواند کارهای حقوقی و اقدامات ما را نیز قاطعانه تر پیش برد.

بطول، تنها و بی پناه نیازمند به حمایت شما

با سلام خدمت آقای حسینی و با آرزوی بهترین ایام برای شما و همکارانتان و همچنین با تبریک به مناسبت سال ۲۰۰۶ میلادی. من بطول حیدری پناهجو و بمدت دو نیم سال است که در وان ترکیه هستم. من در موقع آمدن با همسرم بودم و حال مدت هفت ماه است که شوهرم فوت کرده و او خلبان دوره شاه با مدرک شرکت بل آمریکا بود که به دلیل مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی ایران، اخراج گردید بنا به همان مسائل مجبور به فرار از ایران شدیم. او در زمان آمدن به ترکیه و اوپاس از معرفین خودش مصاحبه شد و به او استیناف دادند و قبل از هیچ گونه جوابی دچار سکنه قلبی شد و فوت کردند و اکنون من تنها هستم و به شما پناه آوردم. به علت اینکه شوهر من یک سیاسی نظام بود و با فوتش خانواده او در ایران از من شکایت کردند، راه بازگشت به کشور خودم را ندارم و هیچ گونه تکیه گاهی هم ندارم، و هم اکنون در کشور غریب تنها هستم و از همه لحاظ از جمله امنیت و مالی با مشکل مواجه شدم و تنها امید به جواب مصاحبه از یو. ان است

که ان هم تا حالا هم چنان بدون جواب باقی مانده است. خواهشمندم در پایین با مطالعه مسایل و مشکلات من که تقدیم شما نمودم ما را کمک و راهنمایی بفرمایید.

پاسخ: دوست عزیز از بابت اتفاقاتی که برای شما و شوهرتان رخ داده متأسفم. لطفاً فرم درخواست تاییدیه را برای ما ارسال کنید و با در تماس بوده و از آخرین وضعیت پرونده تان ما را مطلع کنید.

مینا، پشت مان به کوه است

سلام فرشاد جان: چه خوبه که آدم بدونه کسی مثل کوه پشتشه، یک دوست خوب مثل شما. فقط خواهش میکنم سریعتر برای اجرام ما از ترکیه کاری بکنید.

پاسخ: مینای عزیز این کوه تشکیل شده از صدها سنگ کوچک و بزرگ مانند من و شما. قدرت و تمام توان این نیرو به اتحاد و حضور متشکل تک تک پناهندگان گره خورده است. فدراسیون سازمان همه پناهندگان است. این سازمان را باید در ابعاد وسیعتری فتح کرد و قدرتمندتر کرد. هر چه دامنه نفوذ توده ای این سازمان افزایش یابد قدرت نجات زندگی ها نیز بیشتر میشود.

آینتا، میخواهم درد و دل کنم

سلام آقا فرشاد: من آذیتا هستم. قبلاً به شما میل زدم. دلم پر درد است و تنها همدل و شاهد من و دل خودم. مینا که جدیداً با شما آشنا شده است. من آدرس میل خودم رو میدم که خیلی دلم می خواد با شما درد دل کنم و از کمک های فکری شما و محبتهای تان بهره ببرم. به یاد ما باشید.

پاسخ: آنتیای عزیز دل ها را باید خالی کرد. دردها را باید فریاد زد.

وقتی دردها را در دل های کوچک مان تلنبار کنیم معلوم است هر زمان میتواند در آن انفجار رخ دهد. از اینکه جمع کوچک اما متحدی را پیدا کرده و به دنبال نجات خود به سوی فدراسیون رو آورید صمیمانه خوشحالم و ما نیز به سهم خود تلاش میکنیم دردها و رنج های شما را در کوران یک مبارزه بی امان با سیاستهایی که اینگونه رنج و درد میزایند به شادی و خوشبختی تبدیل کنیم. باید امیدوار بود و دست های تنهای خود و هر کسی را که میشناسیم را در دست های فدراسیون گذاشت و با هم در نبرد برای خوشبختی و نجات و سعادت انسان ها تلاش کرد.

مینا، نمیگذارند زیائیهها را ببینیم

سلام فرشاد جان: امیدوارم که خوب باشید، واقعاً از اینکه به امثال من فکر می کنید و اینقدر قشنگ هم فکرتونو به تصویر ذهن خسته ما می کنید ممنون و مفتخر. فرشاد عزیز الان مدارک به آدرس شما میل خواهد شد. به هزاران امید ما را تنها نمیگذارید مگه نه؟ اینجا روز به روز بیشتر از پیش حسرت با واقعیت پیوستن اندیشه قشنگ رنگانگ شما را می کشیم. راستی فرشاد جان رنگهای جلوی چشمان شما چه رنگی هست. همینکه میبینی و لمس می کنی این زیبایی ها رو و به ما که نمی توانیم یعنی نمی توانیم ببینیم که نمی گذارند که ببینیم کافیت برای ما و چشم های بی نور مان. موفق باشید، دوست تازه شما که دیر آمده و زود دیر آشنایی می کند.

پاسخ: مینای عزیز حتما استعداد نگارش خود را به کار بگیرید. توان این را دارید که با تمام وجود دردها و مشکلات را بیان کرده و افق های زیبا را رنگ آمیزی کنید. حتما بیشتر بنویسید. از زندگی خودتان

و همسرنوشت انتان. یقین بدانید نوشته های شما میتواند نیروهای بیشتر و انگیزه های بیشتری برای ادامه مبارزه ایجاد کند.

فریده، یک زن تنها هستم

با سلام: من از طریق یکی از دوستان پناهجو در ترکیه با سایت شما آشنا شدم که به من پیشنهاد کرد که من مشکلم را با شما در میان بگذارم تا بلکه از دست شما کمکی برای حال مشکل من بر بیاد. مشکل من به شرح زیر می باشد: من یک خانم پناهجوی هم وطن هستم که مدت سه سال و نیم است در ترکیه در شرایط خیلی سخت مجبور به زندگی کردن هستم و من در درخواست پناهندگی کرده بودم که بعد از گذشتن یک پرسه طولانی که تا کنون انجام دادم متأسفانه موفق به UNHCR

گشودن پرونده ام نشدم از شما تقاضا دارم که چنانچه برای شما مقدور باشد کمکی در حق من انجام دهید تا بلکه موفق به گشودن پرونده ام شوید. بی صبرانه منتظر جواب شما هستم چون یک خانم تنها هستم که در شرایط سختی زندگی میکنم و سن من پنجاه سال است. قبلاً از شما نهایت تشکر را دارم. ممنون

پاسخ: فریده عزیز حتما فرم درخواست تاییدیه خود را برای ما ارسال کنید. به سهم خود از هیچ تلاشی برای نجات شما دریغ نخواهیم کرد.

درخواست کمک از یک زن جوان حامله

سلام هموطنان: من یک زن جوان باردار (حامله) گریخته از جهنم جمهوری اسلامی هستم که اکنون در کشور ترکیه به عنوان یک پناهجو در شرایط بسیار سخت و طاقت فرسایی زندگی میکنم و

و هیچ گونه پشت پناهی ندارم و منتظر جواب هستم نمیدانم که چکار باید بکنم و به پیشنهاد یکی از هموطنان تصمیم گرفتم که به شما نامه ای بنویسم و از شما درخواست کمک کنم. با توجه به اینکه من اکنون در شرایط بسیار سختی در حال زندگی هستم و با نارسایی زیادی در این هوای سرد روبرو هستم از شما درخواست میکنم که اگر از دستتان بر می آید به من یاری برسانید. آیدا

پاسخ: آیدای عزیز در رابطه با پرونده شما اقداماتی را انجام دادیم که در نامه جداگانه برایتان توضیح میدهم.

پنج سال در ترکیه، چه ها که نکشیدم!

سلام دوست خوب من. از اینکه به من جواب دادی خوشحالم. من به کمک شما نیاز دارم. پنج سال در این ترکیه چه ها که نکشیدم. از ایران از خانواده و ... که دیگه نرسید. من فرم را پر می کنم. می خواهم که از این ترکیه نجاتم بدهید، از این جهنم.

پاسخ: دوست عزیز. فرم شما را دریافت کردیم. در خصوص پرونده شما اقدام کردیم. لطفاً حتماً ما را در جریان هر گونه تغییر در وضعیت پرونده تان قرار دهید.

کیوان، کار شمارا دوست دارم

آقا فرشاد سلام: از بابت همه چیز از شما نهایت تشکر را می کنم. در این دوره که کسی جز سو استفاده، کمک به آدم نمی کنند، شما آبروی همه را خریدید و نشان دادید که دنبال احیای انسانیت و همنوع هستید. این حرکات شما سوای نتیجه اش که هر چه می خواهد باشد و اگر چه دوست دارم هر چه سریعتر از این وضعیت خلاص شوم، ولی هر چه که شود عمل و نه که نتیجه برای

من کلی ارزش دارد. کاری را که شما برای من کردید همیشه در ذهن من به عنوان با ارزش ترین کار باقی خواهد ماند و امیدوارم که روزی بتوانم حداقل گوشه ایی از آن را جبران کنم. ممنون. در ضمن دیشب من یک ترانه ایی از احمد کیا را گوش دادم که با کمک یکی از دوستان آن را ترجمه کردیم که آن ترانه خیلی در روحیه من تاثیر گذاشت و من این ترانه را به شما و به تمام آنهایی که از جهنم آخوند ها فرار کردند و هنوز اصالتشان را حفظ کردند تقدیم میکنم:

احمد کایا، از دست سگها میگریزم

دگر در تو نمی خندم من، امشب خواهم رفت حسابم با تو بماند برای روز محشر دستانم را می شویم و می روم، به تو دگر زحمت نخواهم داد از ته دل دگر فریاد نخواهم زد، پا ورچین و مانند آب روان خواهم رفت از صفایی که با من داشت دوباره خواهد پرسید دگر جسم نخواهد ماند تا به آن جفا کنی، این دفعه دگر شکایت نخواهم کرد دندانم را میکنم و میروم، به خاطر درد هایی که از تو کشیدم به صورت اسب های تند رو می روم، مانند فشنگ و تفنگ موزر و مانند انفجار کوه خواهم رفت، حتی اگر همه چیز را از دست بدهم از این عشق می گذرم و می روم، از نظر تو رفتن من میسر نخواهد شد ولی من در را می شکنم و می روم، ترانه را برای تو نوشتم سازم را خرد می کنم و می روم، می دانی که من گریه نخواهم کرد می روم و پشتم را هم نگاه نخواهم کرد، از دست سگها می گریزم از زمان هم رد می شوم و می روم هر چه را که از تو بدست آوردم، سر

جایش می گذارم و میروم به خاطر تو نگران نخواهم شد، از ته دل همه چیز را ول می کنم و می روم نگران نباش نفرین نمی کنم و میروم، و دیوانه وار میروم

امیدوارم اگر این ترانه را قبلاً گوش نداده باشید از آن خوشتان بیاید و احمد کیا آن را زمانی سرود که دید مردم نسبت به او بی لطفی می کنند و فشار دولت بر او زیاد بود که مجبور به ترک دیار شد و در غربت مرد و من فکر می کنم کسانی مثل ما که از ظلم گریزان شدیم و ظلم و ستم را با جان و دل حس کردیم این ترانه را راحت حس کنیم. زنده باد فدراسیون

مینا، همبستگی و همدلی در ترکیه!!

سلام. سلام من و همه دوستان پناهنده زجر کشیده به شما و دیگر هم کاران تان. سلامی که میروم آغاز گر بهار دلنشین دلهای بهاریمان باشد که شما ترانه خوان غزل بهارانش هستید. آقا فرشاد اینجا همبستگی معنی نامفهومی دارد. اصلاً معنی ندارد. اینجا رنگ یکدلی و هم نفسی بخار نفس های سرد و خشکمان است که زود محو میشود. کسی به داد کسی نمیرسد. دلمان خانه بی همدلی، هم نفسی، بی سنگ صبوری و بی کسی است. شما آن دوردست ها به ما می اندیشید و همین تار و پود وجود محتاج مهرورزی مان را پرطلاتم میکند و مهبیای تلاشی بس بزرگ. آقا فرشاد مدتی است سایت همبستگی قطع شده یعنی تعطیل است. باور کنید دلم میگیرد. خوب که شما هستید. علت باز نشدن سایت چیست؟ فرشاد جان از توجه شما به نوشته هایم خوشحالم و من هم هر کاری برای شما و سایت و همراهان میکنم. میدانید بدجوری دلم گرفته و میخواهم کمی با شما

درود دل کنم. پاسخ: مینای عزیز همبستگی همه جا معنا دارد. اما همبستگی را مانند هر نهالی باید کاشت آبیاری کرد مراقبت کرد کمک تا بزرگ شود و به درخت تنومندی بدل شده و ثمر دهد. همبستگی را باید ایجاد کرد. باید غبارهای توهم و تفکرات زندگی در انزوا را شست. باید گام جلو نهاد. به میان سایرین رفت. صحبت کرد آنها را قناع کرد. فدراسیون تجارب و نهادها و مسبزات و ثمرات مبارزاتش را نشانمان داد. و گفت برای رهایی و نجات خوشبختی تنها یک راه وجود دارد. اتحاح و تشکل و ایجاد شبکه های وسیع همبستگی. سایت همبستگی به دلایل مشکلات فنی قطع شده بود که خوشبختانه این مشکلات برطرف شده است.

آتوسا، همبستگی، اولین یا آخرین چاره نجات

سلام آقا فرشاد خوب هستین؟ ممنون که به ما بها میدهید و قدر و منزلت انسانی ما را میفهمید. آخرین شاید هم اولین چاره را در آشنایی با همبستگی و دوستان گلی مانند شما میبینم. آخرین چون همه راهها به رویم بسته است. اولین برای اینکه رگ و ریشه امان جان و خونی دوباره میجوشند. خواهش میکنم به محض اینکه مدارک ما را دریافت کردید به من هم اعلام کنید. ما رو فراموش نکنید.

پاسخ: آزیبتای عزیز کاملاً درست میگویید. همبستگی میتواند اولین یا آخرین راه نجات باشد. امیدواریم این تجربه را در زندگی شخصی خودتان لمس کنید و دیاران را نیز دعوت به پیوستن به همبستگی کنید.

سوئد:

کاو، امیر حیدری

سلام و خسته نباشید: من فقط اسم آقای امیر را شنیدم و میفهمم که ایشان به انسانهای زیادی کمک کردند. نه تنها سوئد بلکه هیچ کشور دیگری که آقای امیر را دیپورت کند. من به سهم خودم از ایشان حمایت میکنم. موفق باشید.

هادی محمودی، محکوم است

این عمل دولت سوئد باید به شدت محکوم شود و فدراسیون همچون همیشه باید با این حرکت ضد بشری مقابله نماید. مرسی.

پاسخ: هادی عزیز فدراسیون کماکان به دستگیری و پس گرفتن حق پناهندگی امیر حیدری معترض بوده و اقدامات مهمی نیز در این رابطه انجام داده است که حتماً در سایت همبستگی مطالعه کرده اید.

میترا، باید برای نجات امیر اقدام کرد

با سلام و درود به همه کسانی که زندگیشان را برای دفاع از حقوق انسانها گذاشتند، به نظر من امیر حیدری کسی است که به هر حال جان خیلی از ایرانیان را نجات داده و حالا ما باید برای نجاتش پسا خیزیم.

پاسخ: نه تنها برای نجات امیر حیدری بلکه برای نجات جان هر پناهجویی که در خطر دستگیری و دیپورت به جهنم جمهوری اسلامی است باید تلاش و مبارزه کرد. قطعاً تنها نیرویی که بتواند جلوی هر دیپورتی را بگیرد قادر خواهد بود امیر حیدری را نیز نجات دهد.

سیاوش، کدام فدراسیون!!!!

خیلی خنده دار است که این حزب هم مانند حزب احمدی نژاد با قطع الرجال مواجه است. آخر عزیز من با این گزارش بی پشتوانه که نمیتوان مردم را گول زد. کدام فدراسیون که مدت ۱۲ سال است اولین مطلب را من پناهنده از این فدراسیون دیدم نه خود تشکل را .

پاسخ: سیاوش عزیز نمیدانم که طی این ۱۲ سال کجا بوده و به چه کاری مشغول بودید و نمیخواهم هم بدانم. اما همین که پس از ۱۲ سال با ما آشنا شدید و سایت ما را پیدا کردید خود میتواند نقطه آغازی باشد برای شناخت بیشتر فدراسیون و کارنامه نه ۱۲ ساله که ۱۷ ساله اش. اما تنها اگر کمی منصف باشید.

علیرضا، درود و سلام

درود بر شما و پشتکارتان و سلام بر زن ایرانی که با این همه مشکلات که سر راهشان می باشد ، مبارزه خود را ادامه میدهند . زنده و پیروز همبستگی .

آلمان:

چاپ مقاله در نشریه

سلام فرشاد جان: سال نور با شما و خانواده شما تبریک می گویم و امیدوارم که سال پیروزی ما باشد. با تشکر از چاپ سؤال من و پاسخ آن. سئوالی داشتم اگر مقاله ایی توسط ایمیل بفرستم می توانند زحمت کشیده و برایم چاپ کنید و ضمناً من مدتی هست که در اطرف محل خودمان نشریه چاپ و پخش می کنم . برای اطلاع شما گفتم.

قربانت مجید آرام

پاسخ: مجید عزیز ما تنها مقالاتی که برای همبستگی ارسال

میشود را چاپ میکنیم. مقالات نیز عموماً باید در چهارچوب اوضاع و شرایط پناهندگی ضرورت اتحاد تجربه مبارزات متحد پناهندگان، و یا در رابطه با ریشه ها و عوامل پناهندگی و اوضاع سیاسی ایران باشد. از چنین مقالاتی حتماً با کمال میل استقبال میکنیم.

عبدالرضا حجت الاصل، هر ایرانی حق دارد پناهنده شود

به نظر من با وجود اشغال خاک ایران من به توسط رژیم منفور اسلامی به رهبری سید علی گدا و دارو دسته آنها هر ایرانی با داشتن شناسنامه ایرانی حق دارد از کشور های آرام و امن تقاضای پناهندگی دهد و سران اون دولت باید حق پناهندگی را به ایرانیان عطا فرمایند. عبدالرضا حجت الاصل

پاسخ: دوست عزیز ما معتقدیم که نه تنها هر ایرانی بلکه هر انسانی که از استبداد و بی حقوقی و اسلام سیاسی میگریزد حق دارد بعنوان پناهنده شناخته شود. مصیبتهایی که در ایران زیانه میکشد در کشورهای همجوار چون افغانستان و عراق و نیز با شدت و خشونت زیانه میشکد و زندگی درو میکند. بی حقوقی و استبداد در آفریقا و آمریکای لاتین زندگی را بر انسان ها سیاه میکنند. این شایسته نیست انسان امروزی در اوج پیشرفتهای فنی و تکنیکی و تکنولوژیکی در قعر بی حقوقی و در زیر شمشیر اسلام و لوله های مسلسل ژنرال ها زندگی کنند.

به مادران و پدران همه کسانی که محکوم به اعدام شده اند!

مینا احدی

من این نامه را با اشک و خون دل می نویسم و فقط میخواهم احساسم را با شما در میان بگذارم.

دیروز از دوستی شنیدم که در جایی مادریکی از محکومین به اعدام در مصاحبه گفته که اقدامات و فعالیتهای ما و من، نقطه امیدی برای وی و مادرانی است که فرزندانشان در خطر اعدام هستند. این جای افتخار بزرگی برای ما است و در عین حال درد و غم عمیقی را با خود یدک میکشد.

چه کسی میتواند احساس مادری را درک کند، که سالهای سال، روز و شب را بهم رسانده و هر لحظه، با شنیدن صدای در یا زنگ تلفن، وحشت سراپای وجودش را گرفته است که آیا فرزند عزیزش را کشته اند. چه کسی میتواند این غم و این درد جانکاه را درک کند، که روزها و شبها و لحظات، را با این کابوس به سر ببری که فرزندت که او را بوئیده و بوسیده ای، که او را بزرگ کرده ای و پاره ای از وجودت است، در زندانی مخوف زندانی کرده و حتی اجازه ملاقات و یا دیدار با او را ندهند، کدام فیلم، کدام داستان و کدام هنر میتواند این لحظات و این زخم عمیق بر روح و روان ما را و مادران و پدران و وابستگان این عزیزان را تصویر کند؟

من با مادران تعدادی از محکومین به اعدام ، تلفنی صحبت کرده ام، و بارها و بارها در مقابل استقامت و صبوری آنها سر تعظیم فرود آورده ام. من یک



از صمیم قلب، به همه شما مادران و پدرانی که روز و شب و لحظه به لحظه نگران جان عزیزان خود هستید، درود می فرستم و یکبار دیگر به همه شما قول میدهم که ما هر آنچه در توان داریم بکار ببریم که نگذاریم جنایتکاران فرزندان دلبنده شما را وحشیانه به قتل برسانند، این اوج وحشیگری و سبعیت قرون وسطایی است. قتل انسانها مذموم و مردود است و باید علیه آن بهر طریق ممکن کوشید.

باید یکبار برای همیشه اعدام از همه دنیا رخت بسته و در همه جا محکوم و ممنوع شود. اعدام بهر دلیل و بهانه و با هر توجیه ای وبر علیه هرکس، ضد انسانی و وحشیانه است و باید ممنوع شود و شما بهترین و شایسته ترین کسان هستید که صدای اعتراض خودتان را بر علیه این قتل عمد دولتی بلند کنید و بگوئید قتل عمد انسانها موقوف .

یکبار دیگر به خانواده حجت زمانی و به ویژه به مادر او درود میفرستم و دست او را به گرمی می فشارم!

مادرم و میتوانم تصور کنم که این درد و این شوک تا چه حد ناگوار و غیر قابل تحمل است. من در عین حال با مادرانی حرف زده ام که فعالیتهای ما و دوندگیها و اقدامات ما، به نتیجه نرسیده و متأسفانه فرزندانشان را از دست داده اند. من با این عزیزان ساعتها گریسته ام و باز بعد از این همدردی دیده ام که امید و اعتقاد به رفتن جانیان و ساختن يك زندگي عاری از جنگ و خشونت و اعدام در بین اینها زنده است.

این استقامت و این پایداری، این روحیه اعتراضی، فقط برای من يك حقیقت را بیان میکنند، که انسانیت زنده است و هیچ جنایتی و هیچ سبعیتی نمیتواند این امید به تغییر و این امید به ساختن يك زندگي بهتر و انسانی تر را از بین ببرد.

شاید مهمترین و مهمترین فاکت برای زنده بودن انسانیت و امید به تغییر، همین باشد که مادر و پدر کسانی که جمهوری اسلامی ایران با سبعیت مطلق و با وحشیگری تمام فرزندانشان را به قتل رسانده، هنوز با روحیه ایستاده اند و مقاومت و اعتراض میکنند.

نشریه همبستگی را در کمپ ها و هایم ها در شهرها و روستاها در هر جایی که پناهجو و پناهنده ای است پخش کنید و به دست همه برسانید.

برای نشریه از وضعیت پناهندگی در کمپ یا کشورتان از اعتراضات پناهندگی در محیط اطراف تان گزارش و مقاله تهیه کنید



ایران : شکست دولت جدید در راستای حقوق بشر

سازمان امنستی اینترناشنال، ۱۶ فوریه ۲۰۰۶

همبستگی هفتگی

نشریه فدراسیون سراسری
پناهندگان ایرانی

سردبیر: فرهاد حسینی
پست الکترونیکی:
farshadhoseini@yahoo.com

تلفن: 0031630414073

فاکس 0017345386165

سایت اینترنتی:
www.hambastegi.org

تلویزیون همبستگی

هر سه شنبه ساعت
۲۱.۲۰ تا ۲۲
مشخصات فنی
تلویزیون:

Satellite: Telstar
12Center frequency:
12608MHzSymbol
Rate
19279FEC:2/3Polarization: horizontal

رادیو همبستگی

هر جمعه ساعت
21/15- 21

طول موج رادیو
۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰
کیلوهرتز

مسئول بخش و توزیع
همبستگی هفتگی:

بابک شدیدی
babakshadidi@yahoo.com

به همبستگی

و فدراسیون

کمک مالی

کنید!

مترجم: علیرضا علیخانی

و بد رفتاری را از بازجویی های خود حذف کند و به صورت موثر و واقعی برای هر کسی که در بند آنها گرفتار شده طبق قوانین حقوق بشر رفتار کند .

امنیتی اینترناشنال گفت : از ریشه برکنند استفاده از خشونت و اطمینان بخشیدن آن یکبار برای همیشه از موارد اضطراری حکومت ایران می باشد .

امنیتی اینترناشنال تعداد ۶۹ ، اعدامی را بین ماههای جولای ۲۰۰۵ تا آخر ژانویه ۲۰۰۶ ثبت کرده است که از این تعداد ۲ نفر آنها زیر ۱۸ سال گزارش شده اند. تحمیل مجازات اعدام همچنان با الفاظ مبهم و غیر معقول مانند جرم هایی از قبیل تجاوز جنسی و قتل و سوداگری مواد مخدر ادامه دارد .

این سازمان از رژیم ایران درخواست می کند که با لغو مجازات اعدام به حق ذاتی حیات مردم احترام بگذارد و فوراً از اعدام افراد کمتر از ۱۸ سال و خردسال که بنا به گفته دولت ایران مجرم شناخته شده هستند جلوگیری کند.

رئیس جمهور احمدی نژاد و رژیم ایران باید سریعاً پایه های بنیادین حقوق بشری را برای تمام مردم ایران فراهم کنند و مردم ایران را از هر گونه بی احترامی نسبت به نژاد ، جنسیت و عقیده مصون بردارد .

National :
Coalition of Anti-
Deportation
Campaigns
(NCADC)

Amnesty :
International

ستوه آمده اند . شدند.

در يك فاجعه تعدادی عرب از جامعه اعراب اهوازی کشته شده و دسته هایی توسط بکار بردن مفراط زور و خشونت توسط مامورین امنیتی درادامه ناآرامی ها و خشونت های استان خوزستان مجروح و زخمی شده اند . در حادثه ای دیگر، استفاده از مهمات و مواد منفجره ، گازهای اشک آور و کتک زدن توسط باتون برای تظاهر کنندگانی که از پرتاب سنگ استفاده می کردند در تظاهرات اواسط ماه سپتامبر ۲۰۰۵ توسط مامورین نظامی امنیتی ایران گزارش شده است . حداقل دو کشته و تعدادی مجروح دیگر در این درگیری ها گزارش شده است . تصویب و وضع قوانین جمهوری اسلامی موكداً آزادی بیان و عقیده را محدود می سازد و فعالیتها و اقدامات برای بهبود روند حقوق بشر غالباً با عملیات انتقامجویانه محدود می شود .

ناتوان کردن ، ارباب ، حمله ، بازداشت ، حبس کردن و خشونت بر علیه فعالان و روزنامه نگاران کماکان در دولت جدید ادامه داشته است .

در اکتبر ۲۰۰۵ دادگاه مطبوعات طرحی را برای تلاش در ایجاد رخنه در قوانین مطبوعات معرفی کرد که

به موجب این قوانینی سرریسته و مبهم را برای افراد به علت داشتن عقاید آزادیخواهانه آنها رامجاز می کرد . تعدادی از خبرنگاران و روزنامه نگاران مورد بازجوی قرار گرفتند که بعضی از آنها باتوقیف وازکاربرکنارشدن به زندان محکوم

شش ماه پس از سرکار آمدن رئیس جمهور جدید همچنان خشونتها ضد حقوق بشر به صورت گسترده تری باقی مانده است و دولت جدید برای هر گونه اقدامی در جهت بهبود وضعیت حقوق بشر با شکست مواجه شده است . سازمان بین المللی امنیتی در گزارشی امروز منتشر کرد .

" دولت ایران باید وضعیت آشفته و به هم پیچیده حقوق بشر را در این کشور بهبود بخشد . " امنستی انیستیر ناسیونال نقل کرد . شرایط انزوا و غیر صمیمی این کشور به علت برنامه های هسته ای نباید منجر به بی توجهی دولت ها یا جوامع بین المللی از مشکلات بلند مدت وضعیت حقوق بشر در این کشور گردد .

گزارش از ایران : دولت جدید در روند پیشرفت حقوق بشر شکست خورده است و همچنان خشونت ها ادامه داشته است و نگرانی ها همچنان در این مورد از زمانی که دولت جدید در آگوست ۲۰۰۵ بر سر کار آمده است ادامه دارد . گزارشات همچنان متمرکز بر سرکوبهای بلند مدت در اقلیتهای قومی و محدودیتهای موجود بر آزادی بیان و عقیده و مجازات اعدام و استفاده مکرر از خشونت خبر می دهند .

علیرغم ضمانتهای قانون اساسی از برابری و یکسان بودن گزارشات از این خبر می دهند که از زمان انتخاب رئیس جمهور احمدی نژاد تعدادی از اعضای اقلیت های قومی و مذهبی به دلیل داشتن اعتقادات و گرایش قومی و مذهبی خویش کشته زندانی و به

ایران باید هرگونه از موارد شکنجه